

داخلی، توزیع تراکم جمعیتی در دنیا، تراکم سرانه توزیع ناخالص داخلی، مقایسه درآمد سرانه کشورهای استوایی، نیمه استوایی و معتدل، و مطالعه خصوصیات نواحی شش گانه جهان این ارتباط نشان داده شود تا سیاستگذاران ملاحظات جغرافیایی را در مطالعات تنویریک و اقتصادسنجی مربوط به رشد و توسعه کشورهای وارد کنند و همواره در صدد یافتن راهکارهایی برای جبران ناملایمات جغرافیایی منطقه باشند؛ بویژه که انتظار می رود در ۳۰ سال بعدی سهم بالایی از جمعیت جهان در همین نواحی برخوردار از ناملایمات جغرافیایی زندگی کنند.

در دنیای امروز که با گذشت دو قرن از آغاز رشد اقتصادی نو، بیشتر جمعیت جهان در منجلاب فقر فرو رفته اند و تفاوت کشورهای غنی و فقیر چشمگیر شده است ضروری است در اتخاذ سیاستهای اقتصادی، تمامی عوامل مؤثر مورد شناسایی و بررسی عمیق تری قرار گیرد. شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی از عوامل مهمی است که در توسعه هر منطقه نقش مهمی ایفا می نماید. در واقع هدف از این مقاله شناساندن اهمیت جغرافیا در توسعه اقتصادی و نشان دادن ارتباط تنگاتنگ آن دو با استفاده از شواهد و آمار است. سعی شده است با مطالعه و مقایسه کشورهای غنی و فقیر، بررسی جهانی سرانه تولید ناخالص

درآمدی بر ارتباط توسعه اقتصادی و جغرافیا

زهرا مدرسی عالم

مقدمه

سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۹۲ تنها ۷ درصد رشد داشته است.

با ملاحظه چنین وضعیتی ضرورت می یابد که در اتخاذ سیاستهای اقتصادی، تمامی عوامل مؤثر مورد شناسایی و بررسی عمیق قرار گیرد، و در این راستا نقش کلیدی شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی کشورها در توسعه نباید از نظر دور بماند، اگر چه متأسفانه اغلب اقتصادهای مدرن چنین نقشی را نادیده می گیرند. شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی از طریق هزینه های حمل و نقل، نوع محصولات کشاورزی و محیطهای بیماری زا بر سطوح درآمد سرانه، نرخ رشد و توزیع جمعیت تأثیر می گذارد و در نتیجه می تواند در توسعه منطقه سهم داشته باشد.

هدف از این گزارش شناساندن اهمیت جغرافیا در توسعه اقتصادی است و سعی شده است با استفاده از شواهد و آماری که عمدتاً برگرفته از مقالات مطرح شده در کنفرانس سالانه توسعه بانک جهانی است ارتباط تنگاتنگ جغرافیا و توسعه اقتصادی به تصویر کشیده شود. برای دستیابی به نتایج روشن، مقایسه ای بین کشورهای غنی و فقیر صورت داده ایم و به بررسی جهانی GDP سرانه، توزیع تراکم جمعیتی در دنیا، تراکم GDP سرانه،

با گذشت دو قرن از آغاز رشد اقتصادی نو هنوز بخش بزرگی از جمعیت جهان در فقر به سر می برند و با وجود بهبود شاخصهای رفاهی تمامی کشورها چون قیمت نرخ باروری، افزایش سالهای امید به زندگی و... از تفاوتی بین کشورهای غنی و فقیر کاسته نشده و حتی در مواردی چون تولید ناخالص داخلی (GDP) تعدیل یافته بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) شکاف بمراتب عمیق تر گشته است. در سال ۱۸۲۰ متوسط GDP سرانه در اروپای غربی ۳ برابر آفریقا بود اما در سال ۱۹۹۲ این تفاوت به بیش از ۱۳ برابر افزایش یافت. دقیق تر اینکه در سال ۱۹۹۲، GDP سرانه آفریقا به میزان ۱۲۸۴ دلار (تعدیل یافته بر حسب قدرت برابری خرید سال ۱۹۹۰) معادل GDP سرانه اروپای غربی در سال ۱۸۲۰ بود. آسیایبها طی سی سال گذشته از تجربه خوبی در رشد درآمد برخوردار بوده اند، بطوری که متوسط درآمد آنها از ۱۲/۲ دلار در سال ۱۹۶۵ به ۳۲۳۹ دلار در سال ۱۹۹۲ افزایش یافت. ولی در آفریقا درآمدها بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۹۲ هیچ تغییری نکرده و در آمریکای لاتین و کارائیب میانگین درآمد بین

مقایسه در آمد سرانه کشورهای استوایی، نیمه استوایی و معتدل پرداخته و نگاهی به خصوصیات جغرافیایی نواحی شش گانه جهان انداخته‌ایم.

بررسی جهانی GDP سرانه

با نگاهی به نقشه جهانی GDP سرانه دو ارتباط قوی بین جغرافیا و توسعه اقتصادی مشاهده می‌شود:

(الف). تقریباً تمامی کشورهای که در نواحی جغرافیایی استوایی (بین ۲۳°۴۵' عرض جغرافیایی شمالی و ۲۳°۴۵' عرض جغرافیایی جنوبی) قرار دارند فقیرند و تمامی کشورهای واقع در عرض جغرافیایی وسط و بالا غنی هستند.

(ب). عمدتاً کشورهای ساحلی از سطح درآمد بالاتری نسبت به کشورهای محصور در خشکی برخوردارند. در حقیقت هیچ یک از ۲۹ کشور محصور در خشکی غیراروپایی از درآمد سرانه بالایی برخوردار نیست.

بررسی توزیع تراکم

جمعیتی (جمعیت در هر کیلومتر مربع)

چنانچه توزیع تراکم جمعیت را که بر حسب جمعیت در هر کیلومتر مربع اندازه گیری می‌شود مورد ملاحظه قرار دهیم، نکات مهمی به شرح زیر آشکار می‌شود:

(الف). هیچ رابطه ساده‌ای بین تراکم جمعیت و سطح درآمد وجود ندارد، بطوری که برخی از نواحی با جمعیت پراکنده غنی هستند (استرالیا، نیوزلند) در حالی که برخی دیگر چون ساحل

چنانچه ۳۰ کشور از غنی ترین کشورهای جهان را با ۴۲ کشور از کشورهای فقیر بشدت مقروض (HIPC) مقایسه کنیم می‌بینیم که کشورهای غنی در خط مداری مناطق معتدل جهانی قرار دارند و افرادی که در مناطق معتدل زندگی می‌کنند تقریباً از طول عمری برابر با ۷۰ سال یا بیشتر بهره می‌برند، در حالی که در نواحی استوایی امید به زندگی معمولاً خیلی کمتر است. به تعبیری زمستان بزرگترین عامل سلامت عمومی در جهان محسوب می‌شود. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین طول عمر در کشورهای فقیر بشدت مقروض تنها ۵۱ سال است. یکی از دلایل بارز این کوتاهی عمر را می‌توان شیوع بیماریهای واگیرداری چون مالاریا در این مناطق دانست.

در حدود ۹۲ درصد از جمعیت ۳۰ کشور غنی در مناطق برفی و معتدل زندگی می‌کنند و برعکس، از کشورهای فقیر بشدت مقروض که شامل ۳۹ کشور از مناطق گرمسیر و صحرایی می‌شوند تنها ۲ کشور (لاتوس، مالوی و زامبیا) در شرایط آب و هوایی معتدل به سر می‌برند که این کشورها محصور در خشکی و در واقع جدا از بقیه

جدول ۱: مقایسه کشورهای غنی و فقیر

کشورهای غنی (۳۰)	کشورهای HIPC (۴۲)	شرح
۱۸۸۱۸	۱۱۸۷	GDP سرانه PPP\$
۷۶/۹	۵۱/۵	امید به زندگی در بدو تولد (به سال)
۵۵/۶	۰/۷	درصد جمعیت در مناطق:
۱۷/۶	۳/۷	استوایی
۱۲/۵	۹۲/۶	خشک
۱۴	۲/۵	معتدل و برفی
		مرتفع

منبع: The Economist, August 19th 1999. p 18

○ شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی از طریق هزینه‌های حمل و نقل، نوع محصولات کشاورزی و محیط‌های بیماری‌زا بر سطوح درآمد سرانه، نرخ رشد و توزیع جمعیت اثر می‌گذارد و در نتیجه می‌تواند در توسعه یا عدم توسعه منطقه سهم داشته باشد.

از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند مسئولیت ۸۸ درصد از صادرات جهانی کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل) را به عهده دارند.^۳

مقایسه درآمد سرانه کشورهای استوایی، نیمه استوایی و معتدل

برای دستیابی به نتایج روشن‌تری در این راستا، GDP سرانه ۱۵ کشور با جمعیت‌هایی بالاتر از یک میلیون را در سال ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار می‌دهیم. جمعیت این کشورها در سال ۱۹۹۵ جمعاً معادل ۵/۶۵ میلیارد نفر یا ۹۹/۷ درصد از جمعیت کل جهان بوده است. چنانچه یک کشور استوایی را کشوری بدانیم که دستکم نیمی از زمینهای آن در جغرافیای استوایی قرار گیرد، به این ترتیب ۴۱ درصد از جمعیت جهان در ۷۲ کشور استوایی و ۵۹ درصد جمعیت جهان در ۷۸ کشور غیر استوایی زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۹۵ متوسط درآمد سرانه در کشورهای استوایی (وزن‌دار نشده توسط جمعیت هر کشور) ۳۳۲۶ دلار و در کشورهای غیر استوایی ۹۰۲۷ دلار بوده است.

چنانچه با این تعریف که در کشورهای نیمه استوایی، دستکم نیمی از زمینها در مناطق استوایی یا مناطق بومی تحت استوار قرار دارد و بیش از نیمی از زمینها خارج از استوای جغرافیایی است، کشورهای غیر استوایی را به دو گروه مناطق معتدل و مناطق نیمه استوایی تقسیم کنیم ملاحظه می‌شود که ۱۵ کشور از کشورهای نیمه استوایی دارای میانگین درآمدی برابر با ۷۸۷۴ دلارند و ۶۳ کشور منطقه معتدل از متوسط درآمدی برابر با ۹۳۰۲ دلار برخوردارند. اگر تنها کشورهایی را در نظر بگیریم که پس از جنگ جهانی دوم سوسیالیست نشدند، این تفاوت فاحش‌تر از این خواهد شد، بطوری که متوسط درآمد سرانه در کشورهای استوایی غیر سوسیالیست ۳۶۸۵ دلار، در کشورهای نیمه استوایی غیر سوسیالیست ۹۲۸۴ دلار و در کشورهای معتدل

آفریقا فقیرند. از سوی دیگر برخی از نواحی با تراکم جمعیتی بالا غنی هستند (اروپای غربی)، در حالی که برخی دیگر از این نواحی فقیر هستند (چین، هند و اندونزی).

ب) - تراکم جمعیت در نواحی آسیا اروپایی بیش از تراکم جمعیت در بقیه نقاط دنیاست.
ج) - خطوط ساحلی که از طریق رودخانه‌های قابل کشتیرانی با سواحل ارتباط دارند نسبت به نواحی محصور در خشکی (نواحی با بیش از ۱۰۰ کیلومتر فاصله از ساحل یا رودخانه‌های قابل کشتیرانی که به اقیانوس منتهی می‌شوند) تراکم جمعیتی بیشتری دارند.

بررسی تراکم GDP سرانه

برای شفاف‌تر ساختن رابطه میان تراکم جمعیت و درآمد، از GDP در هر کیلومتر مربع که نشانگر میزان نسبت GDP بر تراکم جمعیت است استفاده می‌شود. با محاسبه این شاخص ملاحظه می‌گردد که کشورهای معتدل ساحلی در نیمکره شمالی دارای بالاترین تراکم GDP در جهان هستند. چهار ناحیه از این نواحی یعنی اروپای غربی، آسیای جنوب شرقی (چین ساحلی، ژاپن و جمهوری کره) و مرزهای دریایی شرقی و غربی آمریکا و کانادا از مراکز توسعه اقتصادی نو در جهان به‌شمار می‌آیند. این نواحی در واقع فراهم‌کننده کالاهای سرمایه‌ای در تجارت جهانی اند و مراکز عمده مالی جهان محسوب می‌شوند که سهم بالایی از تولیدات جهانی را تولید می‌نمایند.

بخشی از ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و آسیای جنوب شرقی واقع در ۱۰۰ کیلومتری ساحل تنها ۳ درصد از ساکنین جهان را در خود جای داده‌اند که ۱۳ درصد از این جمعیت دستکم ۳۲ درصد GDP جهانی (اندازه‌گیری شده بر حسب PPP) را به خود اختصاص داده‌اند. نواحی مرکزی ساحلی جز چین ساحلی، که تنها ۹ درصد جمعیت جهان را دارا هستند تولیدکننده دستکم ۳۰ درصد تولید جهانی می‌باشند و ۱۱ کشور در آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیای شرقی که ۱۴ درصد

○ در حدود ۹۲ درصد از کل جمعیت ۳۰ کشور غنی جهان در مناطق برفی و معتدل زندگی می‌کنند و برعکس، از کشورهای فقیر بشدت مقروض که شامل ۳۹ کشور از مناطق گرمسیر و صحرایی می‌شوند تنها ۳ کشور در شرایط آب و هوایی معتدل واقع شده‌اند.

غیر سوسیالیست ۱۴۲۸ دلار می باشد.

از میان ۳۰ کشور غنی (بر حسب GDP سرانه تعدیل یافته بر اساس PPP که در سال ۱۹۹۵ رتبه بندی شده اند)، تنها دو کشور هنگ کنگ (چین) و سنگاپور استوایی اند که هر دو کوچک هستند و از ۲۷ کشور دیگر، ۴ کشور نیمه استوایی و ۲۳ کشور معتدل هستند. دو کشور استوایی یاد شده تنها یک درصد از کل جمعیت ۳۰ کشور غنی را تشکیل می دهند. در حقیقت بخشی از جمعیت که در ۴ کشور از ۳۰ کشور غنی (استرالیا، شیلی، تایوان و امارات متحده عربی) در نواحی استوایی زندگی می کنند موجب افزایش سهم جمعیت استوایی ۳۰ کشور غنی به میزان ۲/۳ درصد شده اند.

همانطور که اشاره شد جز اروپای مرکزی و غربی که با بازارهای اروپایی ارتباط نزدیکی دارند و قادرند با هزینه پایین تجارت نمایند (استرالیا، جمهوری چک، مجارستان، جمهوری سابق یوگسلاوی، اسلواکی و سوئیس) تقریباً تمامی کشورهای محصور در خشکی جهان فقیر هستند. از ۲۹ کشور محصور در خشکی غیر اروپایی که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر دارند، غنی ترین آنها بوتسوانا (در مکان ۳۸م) است که دارای معادن طلای قابل استخراج می باشد. دومین کشور غنی بلاروس (در مکان ۶۸م) قرار دارد. اختلاف درآمدی بین کشورهای غیر اروپای مرکزی و غربی بسیار شدید است، بطوری که کشورهای محصور در خشکی از متوسط درآمد ۱۷۷۱ دلار برخوردارند، در حالی که کشورهای ساحلی دارای متوسط درآمد سرانه ۵۵۶۷ دلار می باشند. اختلاف در تراکم اقتصادی حتی بیشتر است (۵۹ نفر در هر کیلومتر مربع در مقایسه با ۲۰۷ نفر در هر کیلومتر مربع کشورهای ساحلی).

البته کشورهایی که حتی از لحاظ جغرافیایی از موقعیت مطلوبی برخوردار بودند مانند جمهوری خلق کره و چکسلواکی که در مناطق معتدل هستند به دلیل سوسیالیست بودن از رونق افتاده بودند. کشورهای نیمکره شمالی که درگیر جنگ نبوده اند از میانگین درآمد سرانه ۱۸۰۰۰ دلار

برخوردارند. با استفاده از تخمین رگرسیون چندجانبه در ۷۸ کشور غیر استوایی این نتیجه به دست می آید که موقعیت مکانی کشورها بسته به قرار داشتن در نیمکره جنوبی، در نواحی نیمه استوایی، در نواحی محصور در خشکی و سوسیالیست بودن تنها موجب شده که به ترتیب در آمد سرانه آنها ۳۵۹۰، ۴۷۸۵۰، ۵۱۹۰ و ۱۰۰۵۳ دلار کاهش یابد.^۲

بررسی خصوصیات جغرافیایی نواحی شش گانه جهان

به منظور بیان برخی از عوامل جغرافیایی مرتبط با توسعه، با استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی، خصوصیات اصلی جغرافیایی را در شش ناحیه انتخاب شده (جنوب صحرای آفریقا، اروپای غربی، آسیای شرقی، جنوب آسیا، اقتصادهای در حال گذار، آمریکای لاتین و کارائیب) مورد بررسی و مقایسه قرار داده ایم. همانطور که از جدول ۲ پیداست جنوب صحرای آفریقا به عنوان فقیرترین منطقه از ویژگیهایی به قرار زیر برخوردار است:

- تمرکز بالایی از زمین در ناحیه استوایی قرار دارد؛

- جمعیت در نواحی داخلی متمرکز است (تنها ۱۹ درصد از آفریقا در ۱۰۰ کیلومتری ساحل زندگی می کنند) بطوری که بیش از یک چهارم جمعیت در کشورهای محصور در خشکی زندگی می کنند که بالاترین میزان در بین شش ناحیه است؛
- عدم مجاورت به مراکز اصلی اروپایی (در بین شش ناحیه بیشترین فاصله را با بازارهای اصلی دارد)؛

- تراکم جمعیت در نواحی داخلی و ساحلی پایین است.

و متقابلاً، اروپای غربی که غنی ترین منطقه است دارای خصوصیات به قرار زیر می باشد:
- غیر استوایی است؛

- جمعیت آن عمدتاً در نزدیک نواحی ساحلی متمرکز است؛

○ تقریباً تمامی کشورهایایی که در نواحی جغرافیایی استوایی قرار دارند فقیرند و تمامی کشورهای واقع در عرض جغرافیایی وسط و بالا غنی هستند.

جدول ۲: خصوصیات از شش ناحیه انتخاب شده

شرح	جنوب صحرای اروپای آفریقا	جنوب آسیا	شرق آسیا	جنوب آسیا	اقتصادهای در حال گذار	آمریکای لاتین و کارائیب
GDP سرانه (دلار)	۱۸۶۵	۱۹۲۳۰	۱۰۶۵۵	۱۴۷۱	۳۹۰۲	۵۱۶۳
جمعیت (میلیون نفر)	۵۸۰	۳۸۳	۱۸۱۹	۱۲۱۹	۴۰۰	۴۷۲
ناحیه زمینی (میلیون کیلومتر مربع)	۲۴	۳	۱۴	۴	۲۴	۲۰
ناحیه استوایی (درصد)	۹۱	۰	۳۰	۴۰	۰	۷۳
جمعیت در ۱۰۰ کیلومتری ساحل (درصد)	۱۹	۵۳	۴۳	۲۳	۹	۴۳
جمعیت در ۱۰۰ کیلومتری ساحل پارودخانه‌های	۲۱	۸۹	۶۰	۴۱	۵۵	۴۵
قابل کشتیرانی متصل به اقیانوس (درصد)						
جمعیت محصور در خشکی (درصد)	۲۸	۴	۰	۲	۲۱	۳
فاصله تا بازار مرکزی (کیلومتر)	۶۲۳۷	۹۲۲	۳۳۹۶	۵۷۴۴	۲۴۳۹	۴۶۵۱
تراکم ساحلی (جمعیت در هر کیلومتر مربع)	۴۰	۱۰۹	۳۸۱	۳۸۷	۳۲	۵۲
تراکم داخلی (جمعیت در هر کیلومتر مربع)	۲۲	۱۲۵	۹۱	۲۸۷	۱۶	۱۸

منبع: Annual World Bank Conference on Development Economics 1998, pp. 130,131.

- تقریباً جمعیتی در نواحی محصور در خشکی

ندارد؛ یکی سهم بالایی از جمعیت آن نزدیک به ساحل

زندگی می‌کنند (۳۸ درصد از آمریکاییها در ۱۰۰

کیلومتری دریا و ۶۷ درصد نزدیک به رودخانه‌هایی

که به اقیانوس منتهی می‌شوند زندگی می‌کنند). و

دومی، توده بزرگی از زمینهای این کشور در منطقه

معتدل قرار دارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مقایسه شواهد و آمار دریافتیم که

موقعیت جغرافیایی اثرات قابل ملاحظه‌ای در

سطوح درآمد سرانه، نرخهای رشد و بالتبع توسعه

منطقه دارد و نمی‌توان ارتباط تنگاتنگ بین توسعه

اقتصادی و جغرافیا را نادیده گرفت. لذا به

سیاست‌گذاران توصیه می‌شود که ملاحظات

جغرافیایی را همواره در مطالعات تئوریک و

دارای تراکم جمعیتی ملایمی است.

جمعیت نواحی جنوب آسیا و اقتصادهای

در حال گذار اروپای شرقی و شوروی سابق بیشتر

در نواحی داخلی آنها متمرکز است تا در نواحی

ساحلی. جنوب آسیا عمدتاً استوایی است و

جمعیتی متراکم دارد که در حقیقت از بیشترین

تراکم جمعیتی در جهان برخوردار است،

در حالی که کشورهای با اقتصاد در حال گذار

غیر استوایی هستند و دارای کمترین تراکم

جمعیتی در منطقه می‌باشند. آمریکای لاتین از

لحاظ ناحیه استوایی سهم بالایی دارد ولی از تراکم

جمعیتی پایینی برخوردار است. جمعیت ساحلی

آن نیز تراکم ملایمی دارد. ایالات متحده آمریکا که

در جدول نیست دارای دو امتیاز بارز از لحاظ توسعه

۳. نام این یازده کشور و درصد سهم آنها در صادرات جهانی از این قرار است: آمریکا ۲۰، ژاپن ۲۰، آلمان ۱۴/۶، فرانسه ۶/۴، انگلستان ۵/۸، ایتالیا ۴/۹، کانادا ۴/۷، جمهوری کره ۳/۲، تایوان، چین ۲/۹، بلژیک ۲/۷ و هلند ۲/۵. سایر کشورهای اصلی صادرکننده که به نظام تولیدات اصلی متصل شده‌اند شامل سنگاپور ۴/۳، چین ۲/۷، مکزیک ۲/۲، مالزی ۲/۲ و هنگ کنگ و چین ۰/۷ می‌باشند.

4. Annual World Bank Conference on Development Economics 1998, p 129.

منابع

گیتاشناسی ایران

Paul Krugman, "The Role of Geography in Development; Annual World Bank Conference on Development", *Economics* 1998.

John Luke Gallup, Jeffrey Sachs and Andrew Mellinger, "Geography and Economic Development", Annual World Bank Conference on Development Economics 1998.

Jeffrey Sachs, "Sachs on Development: Helping the World's Poorest" *Economist*, August 14th, 1999.

اقتصادسنجی مربوط به رشد اقتصادی کشورها در نظر بگیرند تا با ایجاد امکانات زیربنایی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی جدی‌تری در زمینه بهداشت، تولید محصولات کشاورزی و... بتوانند بر اثرات منفی ناشی از شرایط آب و هوایی غلبه یابند. همچنین دوری از سواحل و مراکز اقتصادی نباید دلیلی کافی برای عقب‌ماندگی انگاشته شود بطوری که بارفع موانع تجاری، آزادسازی تجارت، توسعه ارتباطات و حمل‌ونقل با استفاده صحیح از تکنولوژی مناسب می‌توانند نواحی را از نظر اقتصادی مطلوبتر سازند. سیاست نیز می‌تواند نقشی مستقل در جغرافیای کشور داشته باشد.

البته در اینجا نباید سیاستهای اعمال شده از سوی کشورهای غنی بویژه سیاستهای آنها در انتقال تکنولوژی را از نظر دور داشت.

یادداشت‌ها:

۱. برگرفته از مقاله

Jeffrey Sachs, "Helping the World's Poorest", *Economist*, No, 14, 1999.

2. Highly Indebted Poor Countries

○ جز اروپای مرکزی و غربی که با بازارهای اروپایی ارتباط نزدیک دارند و قادرند با هزینه پایین تجارت نمایند تقریباً تمامی کشورهای محصور در خشکی جهان فقیرند.





